

**درس خارج اصول استاد حاج سید محمد جواد شبیری**

**14021212**

مقرر: مسعود عطارمنش

**موضوع:** المقدمة/علائم الحقيقة و المجاز /الاستعمال/مفاد واژۀ «ظنّ»

# مفاد واژۀ «ظنّ»

بحث در مورد معنای کلمۀ ظنّ در آیات قرآن بود. در جلسات سابق گفتیم از قدیم مطلبی در کلمات لغویان و مفسران وارد شده است مبنی بر آن که ظن گاهی به معنای شک و گاهی به معنای یقین است.

## مروری بر کلمات مفسران و لغت‌شناسان

برای نمونه در کتاب تصحیح الوجوه و النظائر عسکری صفحۀ322 چنین آمده است: «الظن فی العربیة علی وجهین شک و یقین».

همچنین در کتاب معانی القرآن فرّاء جلد3 صفحۀ 193 چنین آمده است: «و قوله عز و جل: «انّا ظننّا أن لن نقول ان لن تقول الانس و الجنّ علی الله کذباً» الظن هاهنا الشک؛ و قوله تبارک و تعالی: «و انّا ظننّا لن نُعجِزَ الله فی الارض» علی الیقین علمنا».

در تفسیر غریب القرآن ابن قتیبه صفحۀ 48 نیز چنین آمده است: «الظن بمعنیین: شک و یقین علی ما بیّناه فی کتاب المشکل».

در چند موضع از تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم نیز شبیه این مطلب ذکر شده است؛ برای نمونه در ذیل سورۀ مبارکۀ بقرة جلد ۱، صفحۀ ۴۶ در مورد آیۀ شریفۀ ﴿الّذین یَظُنّونَ اَنّهُم مُلاقوا ربِّهم و اَنّهُم اِلیه راجعون﴾ می‌گوید: «الظن فی الکتاب علی وجهین، فمنه ظنّ یقین و منه ظنّ شکٍّ و فی هذا الموضع الظن یقین و انما الشک قوله تعالی «إِنْ نَظُنُّ إِلاّ ظَنًّا وَ ما نَحْنُ بِمُسْتَيْقِنينَ»». همچنین در جلد ۲، صفحۀ ۸۰ می‌گوید: «و اما قوله: «من کان یَظُّنُّ اَن لَن یَنظرَه اللهُ فی الدنیا و الآخرة» فان الظن فی کتاب الله علی وجهین و الطریقین. ظنّ یقین و ظنّ شکٍّ فهذا ظنّ شکٍّ قال من شکّ ان اللّه لَن یُصیبه فی الدُّنیا و الآخرة».

ظاهر بسیاری از این عبارات در آن است که گویا ظنّ گاهی در مطلق شک به کار می‌رود؛ همچنین ظاهر برخی از این عبارات در آن است که ظن گاهی در مطلق یقین به کار رفته است؛ ولی چندان روشن نیست این ظهور، مطابق مراد اندیشمندان بوده باشد؛ فکر نمی‌کنم کسی قائل باشد به این که ظن در مطلق شک ولو شک متساوی الطرفین به کار می‌رود؛ به نظر می‌رسد در مواردی که ظنّ را به معنای شک دانسته‌اند، مقصودشان از شکّ، اعتقاد غیر جازم بوده است و الا به نظر می‌رسد در اصل اینکه احتمال مظنون نسبت به احتمال غیر مظنون یک رجحانی دارد تردیدی نیست.

همچنین در سمت مقابل که گاهی ظنّ را به معنای یقین دانسته‌اند چنانکه در برخی از کلمات لغویین اشاره شده، ظنّ به معنای مطلق یقین نیست بلکه به معنای خصوص یقین حدسی است؛ برای مثال ابن سیده در المحکم چنین گفته است: «الظن شک و یقین الا انه لیس بیقین عیان و انما هو یقین تدبر فاما یقین العیان فیقال فیه الا عَلِمَ»[[1]](#footnote-1). یعنی ظنّ به یقین در غیر محسوسات اختصاص دارد که به نوعی تأمل و تدبّر نیاز دارد. در تاج العروس می‌گوید: «قالَ شيْخُنا، رحِمَه اللَّه تعالَى: و حرر محشو البَيْضاوي و المُطَوَّل: أنَّ الظَّنَّ لا يُسْتَعْمل بمعْنَى اليَقِين و العِلْم فيمَا يكونُ مَحْسوساً»[[2]](#footnote-2)

بنابراین روشن نیست کسانی که ظنّ را به معنای یقین دانسته‌اند مقصودشان مطلق یقین باشد. اساساً یکی از مشکلاتی که در کلمات لغویین با آن روبرو هستیم، ابهاماتی است که در کلماتشان وجود دارد چون گاهی مفاهیمی را به کار می‌برند ولی مقصودشان مفاد اطلاقی آن مفاهیم نیست.

البته در تاج العروس تعبیر دیگری نیز وارد شده است: «و فی البصائر قد ورد الظن فی القرآن مجملا علی اربعة اوجوه بمعنی الیقین و بمعنی الشک و بمعنی التهمة و بمعنی الحسبان ثمّ ذکر الآیات»[[3]](#footnote-3). این معانی را ذکر کرده ولی نگفته در کجا به معنای شک و در کجا به معنای حسبان دانسته شده است.

مرحوم شیخ طوسی نیز عبارتی از مُبَرَد نقل می‌کند مبنی بر آن که ظنّ، شامل علم در محسوسات نمی‌شود: «و قال المبرد: ليس من كلام العرب: أظن عند زيد مالًا، يريد: أعلم لأن العلم المشاهد لا يناسب باب الظن»[[4]](#footnote-4). می‌گوید: در مورد مال‌دار بودن زید تعبیر ظن به کار نمی‌رود چون یک امر محسوس و قابل مشاهده است یعنی ظنّ به اموری اختصاص دارد که همراه با نوعی تدبّر و استدلال است.

بنابراین همانطور که یادآور شدیم، تعابیر لغویین، که ظن را به صورت مطلق به معنای یقین یا شک دانسته‌اند، تعابیر دقیقی نیست و شاید مقصودشان نیز همان معنایی باشد که در زمان کنونی مرسوم است و ظن را به خصوص احتمال بالای 50 درصد اطلاق نمایند چنانکه در عبارتی از شیخ طوسی بدین نکته اشاره شده است: «و قال بعض الشيوخ: اصل الظن ما يجول في النفس من الخاطر الذي يغلب على القلب، كأنه حديث النفس بالشي‏ء،(پس ظن باید غلبۀ بر نفس داشته باشد) و تأول جميع ما في القرآن من معنى العلم على هذا»[[5]](#footnote-5) این بعض الشیوخ نپذیرفته است که ظن در قرآن به معنای علم باشد و آن مواردی که مفسران ذکر نموده‌اند را نیز تأویل برده است و به همین معنا گرفته است.

در تبیان عبارت دیگری نیز وارد شده است: «الظن و الشك و التجويز نظائر، إلا ان الظن فيه قوة على أحد الأمرين دون الآخر، وحده ما قوي عند الظان كون المظنون على ما ظنّه (ظن را به معنای کنونی آن دانسته است) مع تجويزه ان يكون خلافه. فبالتجويز ينفصل من العلم، و بالقوة ينفصل من الشك و التقليد و غير ذلك. و ضد الظن اليقين‏»[[6]](#footnote-6)

تا اینجا بر عبارات فقهاء نیز مرور نمودیم.

## استعمال «ظنّ» در قرآن در موارد مختلف

به نظر می‌رسد ظن در آیات قرآن در موارد مختلفی به کار رفته است. مقصودمان از موارد مختلف، آن است که ممکن است ظن در مورد علم به کار برود ولی نه آن که معنای علم مستند به خود کلمۀ ظن بوده باشد بلکه مستند به قرائن دیگری می‌باشد و از باب تعدد دال و مدلول است.

ظن در قرآن گاهی به معنای اعتقاد باطل است. البته در بعضی موارد کلمۀ ظن در مورد اعتقاد باطل به کار رفته است ولی تصریح شده است به این که ظن، به معنای اعتقاد باطل است؛ اینگونه موارد، مد نظر ما نیست. مثلاً خداوند سبحان در سورۀ آل عمران آیۀ ۱۵۴ چنین ﴿يَظُنُّونَ بِاللّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجاهِلِيَّةِ﴾ اینها گمان نادرست به خدا دارند؛ در این آیه، کلمۀ «غیر الحق» نادرست بودن گمان را می‌رساند. مراد ما اینگونه موارد نیست که ظن به کلمۀ نادرست مقید شده باشد؛ محل بحث ما، ظنّی است که به حسب ترکیب مطلق است ولی با قرائنی که یا در خود این کلام و یا در خارج از کلام وجود دارد، متوجه می‌شویم مراد متکلم، ظن باطل است. مثلا خداوند متعال در سورۀ یونس آیۀ ۲۴ فرموده است: ﴿إِنَّما مَثَلُ الْحَياةِ الدُّنْيا كَماءٍ أَنْزَلْناهُ مِنَ السَّماءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَباتُ اْلأَرْضِ مِمّا يَأْكُلُ النّاسُ وَ اْلأَنْعامُ حَتّى إِذا أَخَذَتِ اْلأَرْضُ زُخْرُفَها وَ ازَّيَّنَتْ وَ ظَنَّ أَهْلُها أَنَّهُمْ قادِرُونَ عَلَيْها أَتاها أَمْرُنا لَيْلاً أَوْ نَهارًا﴾ وقتی که اهل زمین گمان کردند که اختیار زمین در دست آنهاست عذاب ما شبانه یا روزانه متوجه آنها می‌شود؛ ﴿فَجَعَلْناها حَصيدًا كَأَنْ لَمْ تَغْنَ بِاْلأَمْسِ﴾ «ظن اهلها» یعنی گمان غیر مطابق با واقع.

ما در آیات قرآن با موارد مکرری روبرو هستیم که ظن در گمان باطل و مخالف واقع به کار رفته است که به برخی از آدرس‌های آن اشاره می‌کنیم: یونس/ ۲۴؛ یوسف/ ۱۱۰؛ اسراء/ ۵۲؛ انبیاء/ ۸۷؛ حج/ ۱۵؛ قصص/ ۳۹؛ ص/ ۲۷؛ فصلت/ ۲۲ و ۲۳؛ حشر/ ۲؛ جن/ ۵ و ۷ و ۱۲؛ انشقاق ۱۴.

در آدرس‌های زیر نیز ظن توسط مفسران \_دست‌کم برخی از آنها\_ به معنای علم دانسته شده است: سورۀ بقرة آیۀ ۴۶، ۲۳۰، ۲۴۹؛ اعراف/ ۶۶، ۱۷۱؛ توبه/ ۱۱۸؛ یونس ۲۲ و ۲۴؛ هود/ ۲۷؛ یوسف/ ۴۲ و ۱۱۰؛ اسراء ۱۰۱ و ۱۰۲؛ کهف ۵۳؛ انبیاء ۸۷؛ شعراء/ ۱۸۶؛ قصص ۳۸ و ۳۹؛ ص/ ۲۴؛ غافر ۳۷؛ فصلت ۴۸؛ الحاقة/ ۲۰؛ القیامة ۲۵ و ۲۸.

در بعضی مواضع نیز، ظن در مورد اعتقاد غیر مستند به حجّت به کار رفته است؛ مثلا در سورۀ نجم، آیۀ ۲۳: ﴿إِنْ هِيَ إِلاّ أَسْماءٌ سَمَّيْتُمُوها أَنْتُمْ وَ آباؤُكُمْ ما أَنْزَلَ اللّهُ بِها مِنْ سُلْطانٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلاَّ الظَّنَّ وَ ما تَهْوَى اْلأَنْفُسُ﴾ ظن در موردی که اعتقاد ظانّ، همراه با برهان و دلیل نباشد به کار رفته است. همچنین در سورۀ جاثیه، آیۀ ۳۲: ﴿وَ إِذا قيلَ إِنَّ وَعْدَ اللّهِ حَقُّ وَ السّاعَةُ لا رَيْبَ فيها قُلْتُمْ ما نَدْري مَا السّاعَةُ إِنْ نَظُنُّ إِلاّ ظَنًّا وَ ما نَحْنُ بِمُسْتَيْقِنينَ﴾. البته این که مقصود از ظن در این آیه، ظن بدون برهان باشد چندان روشن نیست.

نکته‌ای که هم‌اینک قصد داریم در موردش صحبت کنیم آن است که آیا این معانی مختلفی که برای ظن در آیات قرآن ذکر شده است، \_از جمله اعتقاد غیر مستند به حجت که آقای مکارم در مواضع متعددی از انوار الاصول بدان اشاره نموده‌اند\_ واقعاً در این معانی مختلف به کار رفته است یا نه؟

تذکر این نکته را فراموش کردم که کلمۀ ظن و مشتقاتش ۶۹ بار در ۵۲ آیه از ۳۲ سوره به کار رفته است. باید دید در این مجموعه اوّلا آیا ظن در چند معنا به کار رفته است یا خیر؟ ثانیاً این چند معنا آیا از باب مشترک لفظی است یا مثلا از باب مجاز است؟ ممکن است شخصی بگوید ظنّ مشترک معنوی است و افادۀ معانی مختلف مستند به کلمۀ ظن نیست بلکه مستند به ویژگی‌های دیگری است که در کلام وجود دارد؛ ممکن است بگوییم اینکه ظن آیا یقینی هست یا یقینی نیست، مستند به برهان است یا مستند به برهان نیست، و امثال این ویژگی‌ها از کلمۀ ظن فهمیده نمی‌شود بلکه از ویژگی‌های دیگر کلام فهمیده می‌شود؛ در سمت مقابل ممکن است بگوییم این معانی مختلف، از خود کلمۀ ظن فهمیده می‌شود. حال اگر از کلمۀ ظن فهمیده می‌شود آیا از باب اشتراک لفظی است یا از باب حقیقت و مجاز است یعنی یک معنایش حقیقی و یک معنایش مجازی است؟ عبارت‌های لغت‌شناسان در این زمینه ابهام دارد هر چند بعضی از عبارت‌ها تقریبا ظاهر است که می‌خواهند از باب حقیقت و مجاز بگیرند؛ برای مثال جوهری در صحاح گفته است: «الظن معروف و قد یوضع موضع العلم»[[7]](#footnote-7). این ظاهرش این است که معنای اصلی ظن غیر از علم است؛ «و قد یوضع موضع العلم» ظاهرش این است که معنای حقیقی نیست بلکه مجاز است. قبل از جوهری نیز عسکری در کتاب تصحیح الوجوه و النظائر تصریح می‌کند به اینکه این معانی مختلف، در اصل لغت نیست بلکه از باب استعارات است.

### نظریۀ مختار در مفاد واژۀ «ظنّ»

به نظر می‌رسد با دقت در مجموع آیات قرآن، بتوان گفت ظنّ یعنی اعتقاد و باور؛ اما سائر ویژگی‌ها همچون اینکه این اعتقاد و باور مخالف واقع است یا این اعتقاد و باور به مرتبۀ یقین رسیده است یا به مرتبۀ یقین نرسیده است، یا همراه برهان است یا بدون برهان است، از قرائن خارجیه استفاده می‌شود و الا ظن به معنای مطلق اعتقاد است و ویژگی‌های این اعتقاد، از خارج استفاده می‌شود.

هم‌اینک یک نکته را یادآور شده و تکمیل مطلب را به آینده موکول می‌کنیم. برای مثال خداوند متعال در سورۀ نجم، آیۀ ۲۳ فرموده است: ﴿إِنْ هِيَ إِلاّ أَسْماءٌ سَمَّيْتُمُوها أَنْتُمْ وَ آباؤُكُمْ ما أَنْزَلَ اللّهُ بِها مِنْ سُلْطانٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلاَّ الظَّنَّ وَ ما تَهْوَى اْلأَنْفُسُ﴾ «إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلاَّ الظَّنَّ» به معنای آن است که اینها فقط از ظنّ تبعیت می‌کنند؛ این استثنا به چه ملاحظه است؟ به بیان دیگر می‌گوید مستند اینها فقط یک اعتقاد است؛ این حصر به چه ملاحظه است؟

این استثناء گاهی به ملاحظۀ آن است که می‌خواهد بگوید که اینها فقط به آن اعتقاد تکیه می‌کنند؛ اعتقادی که صرفاً اعتقاد است، یعنی پشتوانۀ برهانی ندارد، پشتوانۀ دلیل و حجت ندارد؛ این مطلبی است که در همین آیه، در صدر آیه نیز به اشارت رفته است، ﴿إِنْ هِيَ إِلاّ أَسْماءٌ سَمَّيْتُمُوها أَنْتُمْ وَ آباؤُكُمْ ما أَنْزَلَ اللّهُ بِها مِنْ سُلْطانٍ﴾ در این آیه «إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلاَّ الظَّنَّ» به ملاحظۀ برهان داشتن و نداشتن ظن را تقسیم می‌کند؛ ظن گاهی، صرفاً یک ظن تنهاست ولی گاهی ظن همراه با برهان است. بدین ترتیب برهان نداشتن در این آیه، نه از خود ظنّ که از استثناء و اینکه این استثناء به چه ملاحظه صورت گرفته، استفاده می‌شود.

اما گاهی این استثناء می‌تواند به ملاحظۀ عدم مطابقت با واقع باشد نه به ملاحظۀ بدون دلیل بودن؛ برای مثال خداوند سبحان در سورۀ انعام آیۀ ۱۱۶ می‌فرماید: ﴿وَ إِنْ تُطِعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي اْلأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبيلِ اللّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلاَّ الظَّنَّ وَ إِنْ هُمْ إِلاّ يَخْرُصُونَ﴾ «إِنْ تُطِعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي اْلأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبيلِ اللّهِ» می‌گوید اگر از اکثر مردمان تبعیت کنی از راه خدا تو را باز می‌دارند، چرا؟ چون اینها تنها از ظن پیروی می‌کنند؛ یعنی اعتقادی که به واقع نرسیده است؛ «يُضِلُّوكَ عَنْ سَبيلِ اللّهِ» ظنی است که مطابق سبیل الله نیست. این استثناء می‌تواند به ملاحظۀ باطل بودن و عدم مطابقت با واقع باشد. بدین ترتیب عدم مطابقت با واقع، نه از خود ظن، که از استثناء و ملاحظۀ اینکه مستثنی منه، ظنی است که ممکن است مطابق با واقع باشد، و ممکن است صرفاً یک ظن باطل و غیر مطابق با واقع باشد، استفاده می‌شود. البته محتمل است «إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلاَّ الظَّنَّ» را چنین معنا کنیم که اینها ظنی دارند که دلیل و برهانی همراهش نیست، «وَ إِنْ هُمْ إِلاّ يَخْرُصُونَ» نیز می‌تواند شاهد بر آن باشد که اینها صرفاً یک حرفی می‌پرانند و گفتارشان مستند به برهان و استدلال نیست. در هر صورت این ویژگی‌ها از خود کلمۀ ظن فهمیده نمی‌شود بلکه از نحوۀ استثناء و مستثنی منه فهمیده می‌شود.

همچنین در سورۀ جاثیه آیۀ ۲۴ می‌فرماید: ﴿ما لَهُمْ بِذلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلاّ يَظُنُّونَ﴾. شایان ذکر است که کلمۀ علم در اصطلاح قرآنی، به اعتقاد مطابق با واقع اختصاص دارد نه یقینی که نسبت به مطابقت و عدم مطابقت با واقع لا بشرط است. به بیان دیگر، گوینده باید یقین صاحب یقین را مطابق واقع بداند تا بتواند بگوید او علم دارد؛ علم یعنی رسیدن به واقع. بدین ترتیب این آیۀ شریفه می‌خواهد بگوید «ما لَهُمْ بِذلِكَ مِنْ عِلْمٍ» یعنی اینها اعتقاد مطابق با واقع ندارند؛ «إِنْ هُمْ إِلاّ يَظُنُّونَ»؛ اینکه اینجا ظن به معنای اعتقاد خلاف واقع است، به قرینۀ «ما لَهُمْ بِذلِكَ مِنْ عِلْمٍ» است؛ این قرینه روشن می‌کند که استثناء، به اعتبار مطابقت با واقع و عدم مطابقت با واقع است.

همچنین گاهی اوقات، عدم مطابقت با واقع، به قرینۀ به کار بردن فعل ماضی است. مثلاً در زبان فارسی وقتی می‌گوییم: «من گمان داشتم زید عادل است» معنایش آن است که الآن دیگر به عدالتش باور ندارم بلکه قبلاً چنین تصوری داشتم. چنین عبارتی نوعا در جایی به کار می‌رود که گمان انسان در زمان حاضر به سمت دیگر کشیده شده و این یعنی در زمان سابق گمان من اشتباه بوده است. بر همین اساس ﴿وَ ظَنَّ أَهْلُها أَنَّهُمْ قادِرُونَ عَلَيْها﴾[[8]](#footnote-8) بدان معنا است که اهل زمین سابقاً گمان می‌کردند بر زمین مسلط هستند ولی الأن فهمیدند اشتباه می‌کردند لذا دیگر به سلطۀ خود باورمند نیستند. یعنی حتی خود آن باورمندان سابق الآن دیگر باور ندارند تا چه رسد به دیگران.

کوتاه سخن آن که، ظن به معنای مطلق باور است و خصوصیاتی همچون عدم مطاقت با واقع یا بدون برهان بودن، از دوالّ دیگری همچون نحوۀ استثناء یا کاربست فعل ماضی، استفاده می‌شود.

در این زمینه نکات دیگری نیز وجود دارد که در جلسات آینده به تکمیل آنها خواهیم پرداخت. قصد داریم در جلسات آینده توضیحاتی در مورد واژۀ علم و یقین نیز که در مقابل واژۀ ظن هستند، مطرح نموده و بحث را جمع‌بندی کنیم.

1. المحكم و المحيط الأعظم، ج‏10، ص: 8 [↑](#footnote-ref-1)
2. تاج العروس، ج‏18، ص: 364 [↑](#footnote-ref-2)
3. تاج العروس، ج‏18، ص: 364 [↑](#footnote-ref-3)
4. التبيان في تفسير القرآن، ج‏1، ص: 205 [↑](#footnote-ref-4)
5. التبيان في تفسير القرآن، ج‏1، ص: 205 [↑](#footnote-ref-5)
6. التبيان في تفسير القرآن، ج‏1، ص: 206 [↑](#footnote-ref-6)
7. الصحاح، ج6، ص2160. [↑](#footnote-ref-7)
8. يونس : 24 [↑](#footnote-ref-8)